

## قیام سال ۱۳۲۴ صافی های کُتر (قسمت هجدهم)

### استفاده از مدرنترین اسلحه علیه باشندگان کُتر

خانندان حاکم (آل یحیی) در یک جنگ قحطی ناپذیری علیه صافی ها واقوام دیگر کُتر از تمام امکانات موجود بشمول مدرنترین سلاح استفاده نمود. به روایت اشخاصی که تا هنوز در قید حیات هستند، دو تا سه مضمونی که درین رابطه نوشته شده، و همچنان به اساس خاطرات جنرال میراحمد خان مولائی و گزارش های محرمانه سفارت انگلیس در کابل، اسلحه قیام کنندگان درین جنگ عبارت از چوب، تبر، خنجر، شمشیر، و تفنگ های اکثراً دهن پر و ساخت «تیراه» بود. درین رابطه فرقه مشر میراحمد خان در بیانی<sup>۱</sup> به قوای تحت قومانده اش در «چوکی» یاد آور میشود که «... دشمن جاهل که آن هم برادر شماست... بایک اسلحه بسیار ناقص و بدون کدام تشکیلات مرتب قد علم کرده اند. در حالی که شما [به] فضل خداوند با اسلحه عصری و تعلیمات عالی مجهز هستید و تمام ملت [منظور لشکر های یله جاری فرستاده شده توسط سردار داؤد خان] از شما پشتیبانی می کند و مانند داؤد خان یک قوماندان دارید، چگونه معنویات خود را می بازید؟»<sup>۱</sup>.

قوای نظامی دولت درین جنگ از توپ، ماشیندار، بمب های دستی، بمب های هوایی، تانک، طیاره، وسایل موتوری ترانسپورتی، حیوانات بارکش توپچی، تلفون، مخابره، روشنی انداز ها، تفنگچه های روشنی انداز و وسایل تبلیغاتی چون رادیو و مطبوعات سرکاری استفاده مینمود.

اینکه به چه مقدار اسلحه و جبه خانه علیه مردم عوام کُتر استعمال شد، اسنادی مؤثقی در دست نیست، اما آنچه میدانیم اینست که تنها در سه هفته ماه سنبله ۱۳۲۴ حدود پنجمصد (۵۰۰) لاری اسلحه و جبه خانه به قوماندان مفرزه در کُتر ارسال شده است:

- ۳۱ اسد ۱۳۲۴: «امر رسید به تعداد شصت موتر به جلال آباد فرستاده شود که اسلحه و جبه خانه فرستاده شود. به جواب مذکور نوشتم که فردا موتر ها فرستاده می شود، مطلع باشید»<sup>۲</sup>.
- ۱۸ سنبله: «سردار صاحب امر داده بودند موتر ها را با کُتر عبدالشکور خان و عبدالله خان غندمشر به جلال آباد بفرستید که یک تعداد قوه و جبه خانه و اعاشه فرستاده شود. به کُتر مذکور امر داده شد که صدوچند عراده موتر و جاله وان ها فرستاده شوند»<sup>۳</sup>.
- ۲۴ سنبله: «ساعت ۴ طیاره به فضای شنکری پیدا شد و قریه جات را زیر بمبارد گرفت و هم از طرف سردار صاحب امر رسید که سیصد موتر اعاشه و جبه خانه لوای دوم فرقه ی اول و لوای دوم فرقه ی دوم فرستاده شد. موتر هائیکه به چوکی تخلیه میشود، فوری واپس فرستاده شود».

۱. مولایمیر احمدخان، ص ۴۹۰

۲. مولای میراحمد خان، ص ۵۰۶

۳. مولایمیر احمدخان، ص ۵۲۶

طوری که بعداً خواهید دید، این اسلحه از طرف انگلیس ها (حکومت هند بریتانوی) و احتمالاً اتحاد جماهیر شوروی هم به دسترس خاندان حاکم قرار گرفته بود.

### استفاده از قوای هوایی

در دوران جنگ صافی ها از قوای هوایی نه تنها برای ترسد و کشف، حمایت از قطار های ارسال جبه خانه و اعاشه، ارسال پیام ها و مکاتیب و حمایت از قوای محاصره استفاده میشد، بلکه برای بمباران و تخریب خانه ها و کشتن مخالفین و مناطق صافی ها استفاده<sup>۴</sup> وسیع صورت میگرفت. در ذیل به چند نمونه آن توجه کنید:

- ۷ ماه اسد ۱۳۲۴: «... [بعد از ناکامی حمله بر دیوگل و تباهی لوا] برای قوای هوایی هدایت دادند که الی نماز شام به اطراف چوکی گردش و معلومات نموده و حمله های دسته جمعی صافی ها را تحت کنترل بگیرند»<sup>۴</sup>.
- ۱۵ سنبله: «... توپچی هم اول تپه های مذکور را تحت آتش گرفته و چهار فروند طیاره داخل فضای کُتر گردید. اول تپه<sup>۵</sup> حکم آباد و بعد تپه<sup>۵</sup> تنر و حکومتی را، که مرکز اشرار بود، تحت بمباری گرفتند... طیاره ها نفر ها و حیوانات شانرا تحت آتش ماشیندار و بعضی بمب ها گرفتند. محاربه وقتاً فوقتاً به شکست اشرار پیش میرفت. مخصوصاً مردم مهمند و صافی داخل کُتر، همه عیال و اطفال خود را و مال هایشان را به طرف کوه ها میبردند. بمبارد طیاره از ساعت ۴ الی ۸ به شدت دوام داشت. اکثر مرده های مهمند ها به میدان مانده بود.»<sup>۵</sup>.
- آقای شاه محمود میاخیل از سه نمونه<sup>۶</sup> بمباردمان در کُتر خاص یاد آوری نموده مینویسد که «یکی ازین بمباری ها در قریه<sup>۶</sup> تنر در منزل میرزا عزیز خان آخوندزاده به کشته شدن یازده نفر زن و مرد انجامید. از ترس بمباردمان آنها نتوانستند حتی مرده های خود را در حیره<sup>۶</sup> آبائی شان دفن کنند، بلکه آنانرا شبانه بیرون قلعه دفن کردند که قبر هایشان تا هنوز در آنجا موجود است. به همین ترتیب در بان<sup>۶</sup> پاجایان [سیدان] در نزدیکی تنر بمباردمان صورت گرفت که به اثر آن خواهر مادر من [میاخیل] که از آنها بزرگتر بودند، به همراه والده<sup>۶</sup> [قاضی] عصمت الله روحانی و یک تعداد زیاد دیگر کشته شدند. بمباردمان سوم در نزدیکی منگوال بر خان<sup>۶</sup> سید حنیف پاجا صورت گرفت. این محل که در آن تعداد زیادی از مردم جمع شده بودند، مورد حملات طیاره های جنگی قرار گرفت. به روایت داکتر سید قاهر عاطف، که در آن وقت دوازده یا سیزده سال عمر داشت، درین بمباردمان ۲۴ نفر زن، مرد و طفل به شهادت رسید.»<sup>۷</sup>

4. مولایی میر احمد خان، ص ۴۸۹

5. مولایی میر احمد خان، ص ۵۲۰

6. بان<sup>۶</sup> قریه کوچک یا منزل تابستانی در مناطق گرم سیر مخصوصاً سمت مشرقی کشور میباشد که بیشتر برای نگهداری مواشی مورد استفاده قرار میگیرد.

7. میاخیل شاه محمود، دکن سیاسی، قومیا و روحانی جوین تا و دودنو ارزینت

سقوط طیارهٔ گلبهار خان و نمونهٔ از پشتونولی باشندگان کُندر در دوران جنگ صافی های کُندر یکی از رویدادهاییکه قابل یادآور است سقوط طیارهٔ گلبهار خان پیلوت می باشد. طیارهٔ گلبهار خان بتاریخ اول یا دوم میزان سال ۱۳۲۴ در نزدیکی درهٔ باپیل، در قریهٔ چهار قلعه، فعلاً مربوط ولسوالی نرهنگ سقوط داده شد. بعد از سقوط طیاره، یا به گفتهٔ جنرال میراحمد خان، بعد از آنکه «طیاره از طرف اشرار پایان کرده شد»، کشف آن متأسفانه توسط مردم خشمگین محل به قتل رسانده شد. اما خود گلبهار خان پیلوت خود را به یکی از قلعه های نزدیک رسانده پناه خواست. این قلعه مربوط ملک محمد جان خان بود. مردم محل از ملک محمدجان خان خواستند تا پیلوت طیاره را به ایشان تسلیم کنندتا مانند کشف طیاره به قتل برسد. اما اعطای پناهندگی و مهمان نوازی، که از جملهٔ بزرگترین ارزشهای پشتونولی بشمار میرود، حکم میکرد تا به شخص پناهنده سرپناه داده شده و از پناه گزینباتمامنیرو حفاظت و مهمان نوازی شود، حتی اگر فرد پناه گزین بدترین دشمن او باشد. ملک محمد جان خان دو راه را در پیش داشت یا با خواست قوم مخالفت نموده تا آخرین رمق با قبول کشته شدن خود و فرزندانش با شجاعت مقاومت و از گلبهار خان حفاظت کند، و یا هم آسان ترین راه را قبول و او را به افراد خشمگین قوم بسپارد تا مثل کشف و خود طیاره، به گفتهٔ میراحمد خان «تکه تکه و تاراج» شود.

اما صاحبخانه فیصله نمود تا به پیروی از اصل پشتونولی، هر نوع خطر را قبول و خود را از تعنهٔ «بی غیبتی» و سرافکنندگی نجات دهد. در نتیجه برای تداوی گلبهار خان که از ضربت نشستن اضطراری طیاره به زمین صدمه دیده بود، به مشورهٔ حکیم محلی، گوسفندی را ذبح و پوست گرم آنرا به مریض پوشانده بعداً او را به کمک فرزندان و عقاربش سلامت به حکومت در چغه سرای سپردند.

### تلفات ناشی از جنگ

از تمام تلفات انسانی جنگ صافی های کُندر ارقام درستی در دست نیست مخصوصاً از تلفات سنگین قوای نظامی درگیر جنگ و آنعده از باشندگان که در جنگ درگیر نبوده اما توسط بمباردمان هوایی و فیر های توپ و ماشیندار از بین رفته اند. در خاطرات جنرال میراحمد خان چند بار به تلفات جنگ اشاراتی شده است که عمدتاً مربوط به کسانیست که در جنگ روبروی مخالفین با قوای نظامی کشته و زخمی شده اند. طور مثال :

- ۷ ماه اسد ۱۳۲۴: «در وقت نان شفر رسید که تلفات کندک را نشان میداد. سردار صاحب [محمد داؤد خان] زمین و زمان را دشنام می داد. حاضر نشد که بالای میز نان بیاید. کسی بالای میز نان نرفت»<sup>۸</sup>.
- ۱۷ ماه اسد: «... راپور ۶۰ نفر کشته و ۲۱۶ نفر مجروح بود».
- ۲۰ ماه اسد: «... یک ضربت شدید به اشرار زده شد که اکثر مرده های خود را گذاشته و پنج نفر را دستگیر کردیم»<sup>۹</sup>.

۸. مولایی میراحمد خان، ص ۴۸۸

۹. مولایمیراحمدخان، ص ۴۹۵.

- ۲۱ ماه اسد: «سه فروند طیاره، رفتار قطعه را حمایه می‌کرد و حین رسیدن قطعه به «کوٲکی» طیارات ذریعۀ فیر ماشیندار و انداختن بمب‌اشرار را متاثر ساخته... از اشرار ده نفر کشته شده بود»<sup>10</sup>.
- ۲۲ ماه اسد: «بواسطۀ روشنی انداز ها، اراضی روشن ساخته شد. اشرار تحت آتش شدید ماشیندار ها و سلاح دستی قرار گرفت. تلفات اشرار خیلی سنگین بود. اکثر مرده هایشان باقی مانده فرار کردند. زن های سرسفید همه گریه می کردند. یکی میگفت: پسر من کشته شده، و دیگری میگفت شوهر من و هم چنان از اقربای خود یادآور شده، خواهش کردند مرده هایشان برایشان داده شود... این دومین حملۀ ناکام صافی ها بود که ۲۳ مردۀ شان به میدان باقی مانده بود. قرار معلومات نود (۹۰) نفر تلفات داده بودند، یکصد و چند نفر هم زخمی شده بود»<sup>11</sup>.
- ۲۸ ماه اسد: «مباربۀ خونین بین شینواری و صافی جریان پیدا کرد. بلاخره چند نفر از شینواری ها کشته و مجروح شدند که تعداد مجروحین بیست نفر بود»<sup>12</sup>.
- اول سنبله: «شب گذشته یک تعداد اشرار بالای سرکانی حمله نموده تا صبح بزه ای [؟] دوام داشت. در نتیجه دو نفر اشخاص ملکی سرکانی شهید، یک نفر زن و سه نفر مرد مجروح و یک نفر عسکر هم شهید شد. اما تلفات اشرار زیاد بود»<sup>13</sup>.
- ۱۶ سنبله: «۱) لوا دیروز بعد از یک مباربۀ شدید تیپۀ «تنر» و قلعۀ حکومتی را اشغال کردند و کندک هم از قشله خارج شده متحداً اشرار را شکست فاحش دادیم که تا حال مرده هایشان به میدان مانده. ۲) تلفات [قوای حکومت] روز گذشته... شهدا بیست نفر و مجروحین سی نفر است.»<sup>14</sup>.
- ۱۷ سنبله: مرده هایی که به میدان مانده بود هفتادوپنج نفر بودند. قرار خبر های واقعی درین جنگ یکصدوبیست نفر مهمند ها و شنکری [شونکری] و صافی ها داخل کُئر، مقتول و چهل نفر مجروح شده بود.»<sup>15</sup>.
- ۲۵ سنبله: «حینی که موتر ها از چغه سرای حرکت کردند، طیاره که همیشه قطار رفتار موتر ها را حمایه میکرد، ساعت ۶ راپور داد که موتر ها به کودگی [کوٲکی] معطل و محافظین با اشرار داخل مباربه است. تولی دوم شکاری فوراً ذریعه موتر ها به کودگی سوق داده شد. ساعت ۱۰ موتر هارسیدند. دو نفر منصبدار و چهار نفر عسکر کشته شده بودند. از اشرار ده نفر کشته و هفت نفرشان اسیر با خود آورده بودند.»<sup>16</sup>.

10. مولایمیر احمدخان، ص ۴۹۸

11. مولایمیر احمدخان، صفحات ۴۹۹ - ۵۰۰.

12. مولایمیر احمدخان، ص ۵۰۵

13. مولایمیر احمدخان، ص ۵۰۸

14. مولایمیر احمدخان، ص ۵۲۳

15. مولایمیر احمدخان، ص ۵۲۵

16. مولایمیر احمدخان، ص ۵۲۹

- ۲۵ - سنبله: «...راپور که از شنکری رسید بمباردمان دیروز و امروز مؤثر واقع شد. چنانچه چندین خانه خراب و چند نفر هم تلف شده، تعداد تلفات معلوم نیست»<sup>17</sup>.
- ۲۹ - سنبله: «راپور ذیل به قوماندانی عمومی در جلال آباد داده شد:
1. نفری خوگیانی شکست کرده به قریه کلمانی رسیدند. امین الله خان کندکمشر را جل زده، شهید شد. بر علاوه تلفات ضابط غلام سخی و دادمحمد با یک میل ماشیندار مفقودالآثر است.
  2. تلفات زیر به قوای ما چه در قوای ملی و چه به عسکری رسیده:
    - a. تولی اول شکاری مربوط به احمد شاه خان، مجروح یکنفر.
    - b. تولی دو، شهیدیک نفر، امین الله خان کندکمشر.
  3. مجروح افراد ۴ نفر، ضابط ۳ نفر، ...
  4. ۹ نفر افراد را جل زده شهید شدند.
  5. از کنک مستقل لوای دو فرقه دو، شهید یک نفر.
  6. ... برای اشرار هم تلفات به روز گذشته زیاد رسیده، زیرا زیاد مرده هایشان به میدان مانده که برده نتوانسته اند. تعداد صحیح تلفات تاکنون به دست نیامده و ازین که شب گذشته به حمله میادرت نتوانسته اند معلوم میشود تلفات زیاد دیده اند.»<sup>18</sup>.
  7. ۳۱ سنبله: «ساعت ۱۰ است، به داخل دره دیوگل تا فرید بابا، قطع عسکری بعضی خانه ها را حریق کرده و هم توسط هاوان قریه جات داخل دره را می کوبند.»<sup>19</sup>.
  8. ۳ میزان ۱۳۲۴: «بلوک هاوان قریه جات «امروی» و «اندرلیچک» را تحت آتش گرفته و آتش توپچی نیز به قریه جات مذکور به صورت پراکنده توجیه شده، طوری که لازم است به قریه جات مذکور تاثیر نمی تواند. ذریع آئین برقی [وسیله ارتباطی که با انعکاس نور علامت داده میشود] امر دادم که توپچی دیگر آتش نکند. در همین وقت طیاره ها از طرف باپیل به دره دیوگل داخل شدند. قریه اسپیدار و چلس را تحت بمباردمان گرفتند. ذریع دوربین ملاحظه کردیم، نفری و مال و مواشی از قریه جات مذکور خارج شده، بطرف کوه ها فرار میگردند.»<sup>20</sup>.
- درین جا برای آگاهی بیشتر خوانندگان یک صحنه از جنگی را که بتاریخ ۱۴ سنبله برای نجات کندک های ۳ و کُنر خاص از محاصره صورت گرفته است، از خاطرات جنرال مولائی نقل میکنیم<sup>21</sup>:

17. مولایمیر احمدخان، ص ۵۳۰

18. مولایمیر احمدخان، ص ۵۳۳

19. مولایمیر احمدخان، صفحات ۵۳۶ و ۵۳۷

20. مولایمیر احمدخان، ص ۵۴۱

21. مولایمیر احمدخان، صفحات ۵۲۱ و ۵۲۲.

ساعت ۹:۵۰ جاله‌ها رسیدند و کسندک مشرقی و باقی ملحقات لوا تحت اثر محمدرسول خان کندک‌مشر به جاله‌ها سوار شدند. ساعت ۱۰:۳۰ حرکت کردند. چون اشرار مصروف محاربه با دو کندک بود، بدون تعجز عبور نموده، ۱۱:۴۵ به ساحل چپ دریا پیاده شدند و جاله‌ها پس آمد. در منطقه‌ی پیش روی کندک، یک محشر برپا بود. در حالی که هر دو قوه به هم نزدیک شده، جنگ‌های تن‌به‌تن شروع شد. اشرار همراه دهن تفنگ عسکر را می‌زد و عسکر با برجه اشرار را می‌زدند. ذریعه‌ی دوربین قیچی میدان محاربه را مشاهده می‌کردم. کندک کتر هم از قشله خارج شده و به تعرض شروع و با قوای لوا ملحق شدند. محمدمصدق خان کندک‌مشر با تولی اولی خود به تپه‌ی تتر بالا شده، اشرار را از تپه طرد کردند و تپه به دست قوای ما افتاد و از آنجا اشاره به کندک و کندک ذریعه‌ی آینه‌ی برقی به ما خبر داد. آتش توپچی را از تپه‌ی مذکور قطع کردیم. محاربه به انتهای شدت خود جریان دارد که دفعتاً زمین لرزید. اگرچه منطقه‌ی قوماندانی هم از طرف اشرار تحت آتش شدید گرفته شد، بعضی مرمی‌ها به شاخه‌های درخت‌ها اصابت می‌کرد. اطلاع دادند که سه نفر عسکر به واسطه‌ی چره‌ی توپ شهید و مجروح شدند. دو نفر زخمی و سه رأس اسب کشته شد. در این اثنا دفعتاً آتش توپچی که عبارت از دو توپ بود سقوط کرد. خودم با هیأت ارکان خود بالای توپ رفتم. کیفیت را پرسیدم، گفتند دفعتاً زمین لرزید، نفرها مجروح و شهید و اسب‌ها کشته شد. من با شش نفر هیأت ارکان عقب توپ ایستاده بودیم، امر دادم که آتش کنند. به مجرّد آتش کردن بازهم زمین لرزید. شش نفر که به دو طرف من بودند مجروح شدند. من در وسط و سه نفر که عبارت از محمود خان غندمشر نقلیه و عبدالرئوف خان، رئیس ارکان و میرغوث‌الدین خان، کندک‌مشر توپچی به طرف راست من و عبدالله خان برادر ملک خان و محمداکبر خان تولیمشر توپچی و سیدعبدالغنی خان تولیمشر

توپچی به طرف چپ من. هرشش نفر به ترتیب ذیل مجروح شدند: محمود خان به پای چره خورده بود، لیک خفیف بود. عبدالرئوف خان به دست راست چره خورده، نسبتاً عمیق تر و میرغوث الدین خان که در اول نمی فهمید، پسان که خون از پیراهنش جریان پیدا کرد، آن وقت فهمید به شکم مجروح و چره بند مانده بود. عبدالله خان به پای چپ عمیق زخم برداشته بود و محمد اکبر خان به سینه خفیف جراحت برداشته بود. سید عبدالغنی خان شدید مجروح شده بود که تقریباً یک حصه‌ی پیشانی اش را برده بود. مجروحین را فوراً به مرکز مفرزه نقل دادم. خودم با ملک خان تنها ماندم. توپ دوم را توسط بلوکمشر آن امر آتش دادم. آتش توپچی باز هم شروع شد. طیاره‌ها در هر ساعت راپورها را می‌بردند به جلال‌آباد می‌رساندند از آنجا بمب‌ها را برداشته به میدان محاربه می‌آیند. ساعت ۱۳ راپور شهدا و مجروحین و هم از جریان آتش توپچی نوشتم. ساعت ۱۴ به دوربین قیچی دیده شد که مهمندهای داخله‌ی کتر خاص، مال و عیال خود را به طرف کوه‌ها می‌کشند و هم نفرهای مسلح به لباس زنانه، جادرهای سیاه را بالای اسلحه‌ی خود کشیده فرار می‌کنند. توپچی آنها را تحت آتش گرفت و طیاره را اشاره دادند. طیاره‌ها نفرها و حیوانات شان را تحت آتش ماشیندار و بعضی بمب‌ها گرفتند. محاربه وقتاً فوقتاً به شکست اشرار پیش می‌رفت. مخصوصاً مردم مهمند و صافی داخله کتر، همه عیال و اطفال خود را و مال‌هایشان را به طرف کوه‌ها می‌بردند. بمبارد طیاره از ساعت ۴ الی ۸ به شدت دوام داشت. اکثر مرده‌های مهمندها به میدان مانده بود. ساعت ۱۹ محاربه قطع شد. لوا و کتذک کتر متحداً به تپه‌ی تتر و حکومتی و قشله جابه‌جا شدند ما هم از قلعه‌ها حرکت و به مرکز مفرزه رسیدیم.

داکتر یوری تیخانف، محقق روسی، به استناد اسناد آرشیف آلمان و اتحاد جماهیر شوروی دربارهٔ تلفات قوای دولتی مینویسد که «سپاهیان ولتیر و شناس‌تبر ایجنگ‌باچنینا ئتلاف‌نیر و مندقبایل‌مرزیا آمد هنبودند

کوه‌نشینان در دست‌های کوجکسر کوبگر انر ابه‌محاصر هکشانند هوبه‌آن‌تلفات‌سنگینو اردمیا وردند».

در آغاز، نیروهای شبه‌نظامیانرا که در او دخاناز جمع‌باشندگانوبومیگرد آورد هبود، در هم‌کوبیدند. پس از این، شورشیان‌بهبیگانهایمنظم‌ارتش‌شیرد اختند. **در نبرد هابار ز منندگان صافی، سپاهیان و لیبیشاز چهار هزار نفر تلفات دادند و آغاز ز به عقب‌نشینی نمودند که سرانجام به گریز همگان انجامید.** شورشیان «غنایم» جنگی‌فر او انیبه‌دست‌آوردند. آنها با در دست داشتن جنگ‌افزارهای لازم به شمول تیربارها و توپخانه‌شهرهای گنر، اسمار، و چغسر ایرا و هم‌روستا‌هاییراکهدر شمال آنها واقع شد هبود، گرفتند. تهدید افتاد بخلاآبا دهبستدسته‌هایپشتون‌پدید آمد هبود.

بر ایج‌لو‌گیری از آنها جنگجویانقبایل‌مرزی، حکومت‌افغان‌نستاننا‌گزیرو دت‌دبیرها یفوق‌العاده‌یرویدس-ت‌بگیرد. به‌کارزار جنگ‌ششتیپ (لوا) از سپاهیان و لیبیه‌مهمه‌و اپیما‌هاینیرویه‌و ای‌تو‌پخانه‌نفربر‌هایز ره‌گیسل‌شدند. **د او دخانبا مشتاً ه‌نیتد رمیان‌نیگانهایدر حال‌عقب‌نشینی‌نظم‌و انتظام‌را احیا کرد.** او شماری از افسرانیراکه‌زیرتاثیر هرجومرچیا به‌گریزگذاشته‌بودند، به‌دست‌خود تیرباران کرد»<sup>22</sup>.

<sup>22</sup> نبرد افغانستان استالین (سیاست‌دترهایبزرگ‌برسر افغانستان، و قبایل‌پشتون)، ترجمهٔ

(ادامه دارد)